

زندگی مخفیانه و زیر زمینی جوانان در ایران

جنبش خلاصی فرهنگی

این توحش حمایت کرده اند. جهانیان هنوز همه ابعاد مخرب و انسان کش فاشیسم اسلامی - اسلام سیاسی - را نمی دانند. طی همه سالهای حکومت اسلامی زنان، دختران و پسران انواع و اقسام راه های پاسخ دادن به نیازهای طبیعی انسانی و جوانی شان را، مخفیانه و «زیر زمینی» تجربه کرده اند. به استقبال ریسک راهها خطرناک پوشیدن لباس دلخواه، شنیدن موسیقی روز، نوشیدن نوشیدنی مورد علاقه، آرایش دلخواه، معاشرت با جنس مخالف و و رابطه جنسی و .. رفته اند و قربانیان بیشمار، شلاقها و زندانها و تحقیر ها و سرکوبها را تجربه کرده اند.

بین دو جنس، عاطفه و علاقه و تمایلات و رابطه جنسی، با یکی از فاشیستی ترین رژیم های معاصر می جنگند.

در ایران اسلامی جوانی جرم جنایت است، رقصیدن و خندیدن و دوستی و روبروسی دختر و پسر جرم و جنایت است! بیست و سه سال است که اینطور است. جز چند سال اخیر که مردم و جوانان گوشه هایی از عزم شان برای به زیر کشیدن رژیم اسلامی را نشان دادند و عده ای از اسلامی های دوآتشه را «اصلاح طلب» کردند، همه حکومت اسلامی از خاتمی تا خامنه ای تا مهره های دور شده گنجی از



ثریا شهابی

رژیم اسلامی ایران، زندگی، شادی، موزیک، رقص، و جوانی را ممنوع و جرم کرده است. نسلی از جوانان در ایران، که چشم در یک محیط اسلام زده باز کرده اند، دختر و پسر، به خاطر حق انتخاب آزادانه لباس، انتخاب آزادانه رنگ، نحوه آرایش مو و صورت، نحوه حرف زدن، انتخاب موسیقی و نوع موسیقی، انتخاب آزادانه خوردن و آشامیدن، انتخاب آزادانه معاشرت و دوستی

اساس سوسیالیسم انسان است. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.

منصور حکمت



کمونیسم کارگری جواب امروز است!

در حاشیه سفر عبدالله دارابی به ایران

عبدالله دارابی عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران در روز ۱۳ شهریور ماه در شهر مریوان حضور پیدا کرد و برای مردم این شهر علنا سخنرانی کرد.



بهرام مدرسی

سخنرانی علنی عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران تنها و تنها محصول قد علم کردن مردم آزادیخواه و اعتبار و نفوذ عمیق حزب کمونیست کارگری ایران است. آنچه که رژیم اسلامی، این افسار گسیخته ترین وحوش سیاسی را، هنگام حضور ما به پستو خزانده ناتوان کرد، قدرت و حکم آینده

صفحه ۴

حضور عبدالله دارابی و همراهانش در شهر مریوان، یک حضور تاریخی، مهم و بیاد ماندنی است. این یک عملیات «ایذایی» از نوع عملیاتیهای ایذایی سازمانهای رادیکال و مترقی علیه یک رژیم فاشیستی در قدرت نبود! کمونیست ها در عالی ترین سطح، در حالیکه رژیم اسلامی هنوز سرکار است، بدون نیاز به هیچ درگیری، در اجتماع هزاران نفره مردم حاضر می شوند، سخنرانی می کنند و به سئوالات مردم جواب می دهند. این حضور نه محصول «خوش قلب» شدن فاشیست های اسلامی است! و نه محصول «اصلاح طلب» شدن تعدادی عمامه بسر و تسبیح بدست!

کنکور - پارتی -
قاضی دادگاه

صفحه ۳

دانشجویان

به میدان می آیند!

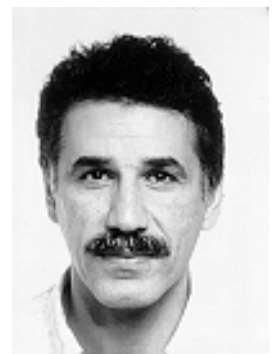
صفحه ۳



سارا سپیدم



ژیلاسمندریور



اکبر سپیدم

پای صحبت فعالین دفاع از حقوق کودکان، در ایران به خاطر روز جهانی کودک

اند، به «اول کودکان» پیوستند. آنها درحال حاضر از فعالین «اول کودکان» اند که در فنلاند فعالیت می کنند. دفتر اول کودکان در فنلاند به همت این فعالین شروع به کار کرده است.

صفحه ۲

قسمت اول

ژیلاسمندریور، اکبر سپیدم، و فرزندشان سارا سپیدم ۱۱ ساله، از فعالین سرشناس دفاع از حقوق کودکان در ایران هستند که از زمانی که به خارج کشور آمده

آزادی، برابری حکومت کارگری!

از صفحه ۸

دفاع از حقوق کودکان» است. از اکبر سپیددم، گزارشات متعددی در مورد کودکان خیابانی و شرایط کار و زندگی کودکان در ایران در روزنامه های ایران به چاپ رسیده است. او از چهره های سرشناس فعالیت در زمینه حقوق کودک، در ایران است. گفتگو اول کودکان با آنها، که ژانویه ۲۰۰۱ تهیه شده است، را میخوانید.

اول کودکان: می دانیم که مدت کوتاهی است که ایران را ترک کرده اید، با دنیایی از گفتنی در باره کودکان و کارهایی که شما برای آنها کرده اید. کمی در باره وضع بچه ها، زندگی، تحصیل، تغذیه، بهداشت، آموزش و پرورش، مسکن و تفریحات و ورزش آنها در ایران برابمان بگوئید.

ژیلا سمندریور: البته این سوال شما بسیار عمیق و گسترده است و در مورد هر قسمت آن مقاله های مفصل و کامل را می طلبد که از وقت این مصاحبه بیرون است ولی باز سعی می کنیم بصورت فشرده در هر قسمت آن جواب لازم را بدهیم.

بچه های ایران بعلت حاکم بودن رژیم جمهوری اسلامی از ابتدایی ترین حقوق خود محرومند و با فقر و فلاکتی که رژیم ولایت فقیه با روی کار آمدنش بر مردم ایران تحمیل کرد فاصله طبقاتی بسیار بیشتر شده و چهره طبقاتی بودن در جامعه ما شفافیت بیشتری گرفته است. وضعیت کودکان مرفه و بچه هایی که پدر و مادر آنها وابسته به رژیم هستند که درصد کمی از کل بچه های ایران را تشکیل میدهند از نظر زندگی، مسکن، تحصیل، تغذیه و تفریحات وضعیت خوبی دارند ولی روی صحبت ما با اکثریت کودکان ایران است که طبقه متوسط محروم و زیر خط فقر را تشکیل میدهند. بخصوص کودکان محروم که از حداقل شرایط زندگی در خور یک کودک بی بهره اند. در طبقات متوسط با همه تلاش های صادقانه پدران و مادران کودک که حتی بعضی مواقع ۲ یا ۳ شیفته کار میکنند باز جوابگوی نیازهای اولیه زندگی خود و کودکانشان بعلت اوضاع بد اقتصادی و تورم روز افزون آن تحت حاکمیت جمهوری اسلامی نیستند. در طبقات محروم و زیر خط فقر وضعیت برای کودکان بسیار سخت و تیره و تار است. این خانواده ها اغلب بعلت نداشتن هزینه تحصیلی از طرف خانواده مجبور به ترک تحصیل از کلاسهای

ابتدایی هستند و بخاطر کمک به درآمد خانواده ها به کارهای مختلف و طاقت فرسا روی میاورند و با بیرحمترین وضعی مورد استثمار و بهره کشی قرار میگیرند در کارگاه های خیاطی، کوریهزخانه ها، قهوهخانه ها، آدامس فروشی در خیابانها، کارگاه های نجاری به کار مشغول میشوند یا توسط تبلیغات رژیم جذب نیروهای بسیج میشوند. مسئولان رژیم جمهوری اسلامی از این فشار اقتصادی که بر خانواده های محروم وارد میشوند نهایت سو و استفاده را کرده آنها را شکار و جذب نیروهای بسیج میکنند و بقول خودشان الگوی کودکان را (شهید فهمیده) قرار دادند که خود او نمونه بارز یکی از کودکان قربانی از طبقات محروم بود که توسط رژیم شکار و شستشوی مغزی داده شد و تمام افتخار رژیم برای کودکان فرستادن این کودک ۱۳-۱۴ ساله زیر زنجیرهای چرخهای تانک چند تنی است برای حفظ موجودیت خودش و از آنطرف هم پیمان نامه جهانی کودک را امضاء کرده که یکی از ماد آن میگوید: (از کودکان زیر ۱۸ سال نباید در جنگ استفاده کرد چه رسد به آنکه آنها را زیر زنجیرهای تانک با نارنجک انداخت. از نظر وضعیت تحصیلی آن عده از بچه ها که پدر و مادر آنها پولدار باشند بچه هایشان را به مدارس غیر دولتی (غیر انتفاعی) یا خصوصی که از لحاظ امکانات آموزشی بهتر از مدارس دولتی است و آن سختگیرانه مدارس دولتی را ندارد و در واقع یک بنگاه تجاری بیش نیست. هدف این مدارس بیشتر جذب شاگرد و قبولی دادن به همه آنهاست. آموزش و بالا بردن سطح آگاهی بچه ها در این گونه مدارس در اولویت قرار ندارد، سود بری اصل و اساس ایجاد اینگونه مدارس است و اغلب اینها توسط افراد سرمایه دار سرمایه گذاری و راه اندازی می شوند و تنها رژیم بر صالحیت انتخاب معلمین باری اینگونه مدارس دخالت میکند و بعلت رشد و افزایش جمعیت ایران و زیر بار نرفتن رژیم جهت هزینه های درس خواندن کودکان بطور غیر مستقیم از مسئولیت خود که همان امکان آموزش رایگان بخصوص در سالهای ابتدایی است شانه خالی کرده و دو دستی آنها را تقدیم بخش خصوصی کرده است که هر طور دلشان می خواهد کودکان را بسازند و پدر و مادرهایشان را بچاپند با توجه به اینکه هم در قانون اساسی کدایی خود رژیم و هم در پیمان جهانی کودک که ایران امضاء کرد، بصراحت اعلام میکنند که آموزش و پرورش حق همه کودکان است و رایگان می باشد ولی تنها

دغدغه رژیم در این مورد کنترل کردن معلم های این مدارس است که مبادا افراد ضد رژیم و انقلابی نباشند و شهریه این گونه مدارس خصوصی و غیر انتفاعی خود تضمین کنند قبولی بچه ها است. در آن طرف قضیه اکثریت خانواده ها حتی نمیتوانند کودکانشان را به این مدارس غیر دولتی با هزینه های کلان بفرستند و مجبورند کودکانشان را در مدارس دولتی با کلاسهای ۳۰ تا ۴۵ نفره در شیفت های صبح و بعد از ظهر ثبت نام کنند که باز هم از آنها مبلغی به عنوان خودیاری گرفته میشود. از لحاظ ساختمانی این مدارس قدیمی میباشند که چندین نمونه آن ریزش سقف کلاسها در جنوب شهر داشته ایم و اغلب در این مدارس فضای مناسب برای گنجایش ۴۰۰ تا ۵۰۰ نفر محصل را به اضافه معلم و کارکنان دفتری آن را ندارد. اغلب اینگونه مدارس حتی آپزخانه هم به عنوان کلاس درس استفاده میشود در جایی که بزرگترین کلاسها را به نمازخانه اختصاص داده و بیشتر ساعات بلا استفاده مانده تا برای نماز خواندن اجبار کودکان از آن استفاده شود.

همچنین حیات و محوطه لازم برای بازی بچه ها را ندارد و نمونه های بسیاری دید شده که حین بازی و دویدن بچه ها با هم تصادف کرده و اشیاء و وسایلی که بی توجهانه در محیط گذاشته شده برخورد کرده و مجروح شده اند. تنها نگرانی رژیم در این باره این بوده است که آیا از پشت بام همسایه همجوار حیات مدرسه دخترانه بچه ها دید دارد یا نه؟! بعضی کلاسهای مدارس دولتی فاقد نور کافی و آفتاب است بعلت تعداد زیاد شاگردان میز و صندلی کلاسها بسیار نزدیک به هم و آزار دهند است و کلاسها بسیار کوچک و ۱۵ متری با ۴۰ تا ۴۲ شاگرد میباشد به طوری که میز و صندلی جلویی آن فقط یک متر با تخته سیاه فاصله دارد و گرد و غبار ناشی از پاک کردن تخته سیاه برای این کودکان مضر و زیان آور است. در حیاط مدرسه ۲ تا ۳ شیر آب قرار داده اند و اغلب هم یک و یا دو تای آن خراب بوده و بچه ها مجبور بودند برای آب خوردن و دست شستن صف بکشند. دستشویی و توالتها بیشتر مواقع گرفته و کثیف است و هر بار که بچه ها در این مورد به دفتر مدرسه اطلاع داده اند مدیر مدرسه گفته است به بابای مدرسه بگویند و او هم که خود از قشر محروم و بیسواد جامعه است و با حقوق کمی که به او پرداخت میکنند حاضر نیست تمامی مسئولیت خود را که یکی از آنها تمیز کردن



کنفرانس اول کودکان

دستشویی و توالت است انجام دهد و به بچه ها میگوید به من مربوط نیست به آموزش و پرورش بگوئید. در دستشویی این مدارس حتی یک شیر آب گرم و صابون برای شستن کسپه هایشان نیست و از لحاظ امکانات کمکی اولیه پزشکی هیچگونه امکاناتی حتی یک جعبه حاوی دارو و وسایل کمکی وجود ندارد.

وضع تغذیه بچه های ایران جز معدودی که مرفه هستند بقیه در وضع بدی بسر میبرند و از مصرف حداقل کالری لازم روزانه محروم هستند و بخاطر تورم وحشتناک و وضع بد اقتصادی خانواده ها اغلب کودکان آنها از یک تغذیه لازم و کامل بی بهره اند و خانواده های محرومی بوده اند که حتی در سال کودکانشان نتوانستند گوشت بخورند و در نتیجه این سوء تغذیه ها بهداشت جسمی و روحی کودکان را با مخاطره جدی مواجه کرده است. سطح بهداشت چه در مدارس و چه در محیط های جامعه برای کودکان بسیار پایین است بعنوان نمونه هوای آلوده شهرهای ایران از جمله تهران که بعلت آلودگی هوای آن حتی نمونه های از مرگ دختر ۱۶ ساله ای را بعلت بالا بودن آلودگی شدید هوا در تهران داشتیم که پزشک قانونی علت مرگ آنها مسمومیت از تنفس هوای آلوده که پر از منواکسید کربن بوده است اعلام کرده بود و حتی خود رژیم بیشتر موارد مجبور به اعتراف به شدت آلودگی هوای شهرها و خارج نشدن کودکان و افراد مسن از خانه ها و هم منظور تعطیلی مدارس شده است و هیچگونه نظارتی در رابطه با بهداشت برای کودکان در جنبه های مختلف آن وجود ندارد. رژیمی که همه هم وغم آن لشکر کشی و بسیج کودکان به طرف جبهه های جنگ و صادر کردن

انقلاب اسلامی کدایی خودشان است چگونه می تواند نظارت بر کالا و مواد خوراکی بچه ها که بصورت غیر بهداشتی تولید می شود داشته باشد از کالاهای مصرفی خوراکی بگیرد که در کارگاه های غیر مجاز و حمام های مخروبه تولید میشود و با مارک های قلابی و غیر استاندارد توضیح میشود و در بسته بندی های که بصورت مقواهای باز یافت شده که بسیار آلوده میباشند توسط افراد سو دجو بفروش میرسد. در مدارس ایران هیچگونه تغذیه ای به کودکان داده نمیشود و کودکان مجبورند ۴ تا ۵ ساعت بدون غذای اصلی و تنها توسط همان آب نبات و بسکویتی که آنها با زحمت والدینشان تهیه کرده و در کیفشان می گذارند سر کنند. وضع آموزش و پرورش کاملاً حالت نوعی وزارت اطلاعات را برای ایران گرفته که از طریق آن به گزینش معلمان و به شستشوی کودکان و نوجوانان مشغول استو چون کشور ایران یکی از جوانترین کشورهای دنیاست و نیمی از جمعیت ما زیر ۱۸ سال هستند رژیم آموزش و پرورش را به عنوان اهرم و وسیله ای برای جهت دادن به افکار کودکان و نوجوانان در راستای تثبیت و نگهداری حکومت خود استفاده میکند و بدین منظور افرادی را به عنوان امور تربیتی به کلیه مدارس می فرستند که در واقع اینها چشم و گوش رژیم هستند و سعی میکنند اهداف و سیاست های تبلیغاتی رژیم را در مدارس اجرا و به پیش ببرند به عنوان مثال بچه ها را مجبور به یادگیری اجباری قران و خواندن نماز اجباری میکنند و بین بچه ها فورهای بسیج را پخش میکنند و اقدام به ایجاد کتابخانه های می کنند که در آنها فقط کتابهای مذهبی مطهری و تبلیغاتی خودشان موجود است.

ادامه دارد

کنکور - پارتی - قاضی دادگاه

از: اطلاعیه سازمان جوانان کمونیست

جوان ایرانی که میخواهد به دانشگاه برود باید هفت خان رستم را طی کند. هفت خان رستمی که با آیات قرآن و قوانین کثیف اسلامی ساخته شده است.

جوان ایرانی باید در کنکور شرکت کند تا "شانس" راه یافتن به دانشگاه را به دست آورد. تازه با قبولی در کنکور معمولاً رشته‌مردم و سومی که از روی ناچاری "ضربدری" جلوی آنها زده شده است تعیین کننده‌ترند. جوان ایرانی باید خود را برای کنکور آماده کند. باید بخواند.

ملغله‌ای از فیزیک و جبر و مثلثات با دعای کمیل و آیات قرآن و حدیثهای مرتجعینی که قرن‌ها پیش خرافاتی را سر هم کرده‌اند. باید شیمی و زیست‌شناسی و طبیعی را در کنار "توضیح المسائل" خمینی حفظ کند تا بلکه به دانشگاه راه یابد.

بعد از این همه زجر و خواندن مطالب اسلامی که فقط بدره ریختن به زباله دان میخورد، اگر شانس آورد و قبول شد، برای

فراموش کردن کوتاه مدت این مزخرفات با دوستان و رفقاییش جشن میگیرد! هنوز جشن شان حسابی شروع نشده است که سروکله مامورین رژیم اسلامی پیدا میشود. شرکت کنندگان در این پارتی را دستگیر میکنند و محاکمه جرم: بر پا کردن پارتی شبانه است. حکم: میلیونها تومان جریمه، تازه اگر شانس بیاورند و با یکی از این ماموران شاخ به شاخ نشوند، چون در این صورت شلاق هم به جریمه نقدی اضافه میشود.

طی هفته گذشته ۸۸ جوان را که بخاطر قبول شدن دوستانشان در شهرک اکباتان و شهرک غرب در تهران جشن گرفته بودند را محاکمه و جریمه نقدی کردند. جرم همانطور که گفتیم "برپایی پارتی شبانه" بوده است. همین! بر جوان ایرانی چه میگذرد؟ چه خمسی و چه نفرتی حق این همه ارتجاع و کثافت است؟ جوان ایرانی طوفانی را در دل دارد، طوفانی که ذره ذره این رژیم کثیف اسلامی را به آتش خواهد کشاند. جوان ایرانی از



مردم از جنایتکاران نخواهند گذشت!

زندانی سیاسی دیگری

بدست جلادان حکومت اسلامی اعدام شد

این ماجرا عده ای از بستگاه حمزه به طرف رضائیه حرکت کردند تا جنازه را در سردشت تحویل بگیرند.

روز دوشنبه ۱۵ مهر ۱۳۸۱ (۷ اکتبر ۲۰۰۲) حمزه قادری اهل سردشت که بیش از ۵ سال است به جرم فعالیت با حزب دمکرات زندانی رژیم است اعدام شد. روز سدهشبه ۱۶ مهر (۸ اکتبر) مرکز اطلاعات رژیم به خانواده حمزه قادری اطلاع داد که او اعدام شده و خانواده اش میتوانند جنازه او را در مهباد تحویل بگیرند. زمانی که خانواده حمزه و نزدیکانش برای گرفتن جسد او به مراجع دولتی در مهباد مراجعه میکنند به آنان گفته میشود که حمزه در رضائیه اعدام شده است و باید جنازه اش را در رضائیه تحویل بگیرند. بدنبال

منبع: کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

اوضاع شهر سردشت عادی روز سه شنبه عادی نبود. مردم از این عمل وحشیانه خشمگین و تا دیروقت در خیابان و بازار شهر مانده و منتظر برگرداندن جنازه حمزه قادری بودند. جوانان تا دریافت این خبر همچنان در بازار هستند. اعدام حمزه قادری که در مهباد زندانی بود بدنبال شورش زندان مهباد و اعتراضات مردم سردشت و مهباد صورت گرفته است.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ضمن محکوم کردن جنایت حکومت اسلامی، به خانواده و بستگان حمزه قادری صمیمانه تسلیت میگوید.



**سایت
بنیاد
منصور حکمت
آغاز
به کار کرد**

www.m-hekmat.com

از میان نامه های رسیده، از ایران

دنیای بدون مرز

انسانها هنگام تولد هیچ ملیتی ندارند. این به شانس آنها بستگی دارد که در کدام منطقه کره زمین به دنیا بیایند و از چه نژادی باشند؟ انسان خودش در این امر بی‌تاثیر است.

این حق طبیعی هر انسانی است که با آزادی کامل محل زندگی خود را در این کره خاکی مشخص کند. بتواند فرهنگهای متعدد را ببیند و آنها را تجربه کند. قوانین مرزی کشورها سدی است برای رسیدن به این خواسته. قوانینی که مردم را محصور میکنند. مرز مانع آزادی، مانع پیشرفت، مانع ارتباط فرهنگها و انسانها با هم است. مرزها را باید برداشت تا انسانها ببینند که همه انسان و عین خودشان هستند، بفهمند که جنگ معنایی ندارد و خشونت را فراموش کنند و یک دنیای بهتر را ایجاد کنند.

با مدارس زردرنگش امید را از هرجوانی گرفته‌است؟ جوانی که سرشار از نیرو و تفکر نو است؟ حکومت کثیفی که با سر راه قرار دادن کنکور همه چیز را از او میگیرد؟ حکومتی که او را مجبور به فراموش کردن اندیشه‌های جوانیش میکند؟ چه دانشگاهی؟ دانشگاهی که اداره حراستش با کافور ریختن در غذای دانشجویانش حتی زیبایی و عشق را از آنها میگیرد؟ قانونی که مخالف یکی شدن دو اندیشه آزاد است؟ آنها جوابی برای میلیونها جوان مخالف خود را ندارند. تا کی میخواهند در قدرت بمانند؟ قانون و حکومتی که مخالف شادی، عشق، تفکر نو، تحصیلات و حتی یادگیری سواد است. این حکومت چرا باید بماند؟ چرا دیرتر از دیروز و زودتر از فردا، همین امروز نرود؟

دختران سیاه پوش در پشت میله‌های زرد

مکانی با سالنهای تو در تو تاریک و خالی از هرگونه تفکری. سالنهایی با پنجره‌های میلدار و پرده‌های کلفت قرمز و چندین نگهبان که در جلوی در با ویراژ دادن همیشه جلب توجه میکنند. اینجا جایی جز مدارس جمهوری اسلامی که برای دختران و پسران جوان درست شده نیست! دختر جوانی که در پشت این میله‌های زرد است به چه آینده‌ای باید امید داشته باشد؟ به کدام آرزویش فکر کند؟ به چه زندگی بیندیشد؟ کدام مشککش را حل کند؟ کدام حکومت او را راهنمایی میکند؟ جمهوری اسلامی؟ حکومت نکبت‌باری که

**برای یک دنیای بهتر
برنامه‌ای از علی جوادی
در تلویزیون
از طریق ماهواره،
"کانال ۱"**

در آمریکای شمالی، اروپا و ایران
هر هفته، سه‌شنبه‌ها
ایران: ۸:۳۰ شب
اروپای مرکزی: ۶ بعدازظهر
لس‌آنجلس: ۹ صبح
email: Ali_Javadi@yahoo.com
Fax: 001-208-246-4221

دانشجویان به میدان می آیند!

شما قاطعانه حمایت میکنند و شما را به پافشاری بر خواست آزادیخواهانه و انسانی تان فرامیخواند. حزب دانشجویان دانشگاههای سراسر کشور را فرامیخواند که از مبارزه شما حمایت کنند و با تمام قوا هر نوع سیاست جداسازی را در هم بشکنند. وقت آن است که در همه دانشگاهها وقت آن است که در همه دانشگاهها حمایت کنند و با تمام قوا در مقابل جداسازی و آپارتاید جنسی، دانشجویان از چند روز قبل دست به اعتصاب زدند. جمهوری اسلامی برای خاتمه دادن به اعتصاب دانشجویان، مینی بوسهای دخترانه پسرانه را کنار گذاشت و بجای آن شروع کرد به استفاده از اتوبوسهای شرکت واحد اما کماکان از قاطی شدن دختران و پسران جلوگیری کرد. اینبار پسران در ردیفهای جلو اتوبوس و دختران در ردیفهای عقب قرار میگیرند و سیاست جداسازی همچنان ادامه دارد. اما خود را کماکان ادامه میدهند. دانشجویان دانشگاه آزاد اصفهان، دانشجویان سراسر کشور حزب کمونیست کارگری از مبارزه

دانشجویان اصفهان علیه جداسازی دختر و پسر در اعتصاب بسر میبرند

با شروع سال تحصیلی جدید، حکومت اسلامی اتوبوسهای دختر و پسر را در دانشگاه آزاد اصفهان جدا کرد. در اعتراض به این جداسازی و آپارتاید جنسی، دانشجویان از چند روز قبل دست به اعتصاب زدند. جمهوری اسلامی برای خاتمه دادن به اعتصاب دانشجویان، مینی بوسهای دخترانه پسرانه را کنار گذاشت و بجای آن شروع کرد به استفاده از اتوبوسهای شرکت واحد اما کماکان از قاطی شدن دختران و پسران جلوگیری کرد. اینبار پسران در ردیفهای جلو اتوبوس و دختران در ردیفهای عقب قرار میگیرند و سیاست جداسازی همچنان ادامه دارد. اما خود را کماکان ادامه میدهند. دانشجویان دانشگاه آزاد اصفهان، دانشجویان سراسر کشور حزب کمونیست کارگری از مبارزه



عبدالله دارابی

سرنگونی، میتوانند آیندهای زیبا، برابر، شاد و آزاد را متحقق کنند. آنچه که مردم مریوان در یک شب فراموش نشدنی تجربه کردند میتواند و باید آینده تحولات ایران را شکل دهد. آیندهای روشن برای امروز، برای زنان و جوانان، برای کودکان و برای همه انسانهایی که در ایران جمهوری اسلامی در تنفر و خشم مردم دست و پا میزنند و غرق میشوند. رهبران کمونیست اما شاداب و پرشور در حلقه محبت و عشق مردم قرار دارند. به حزب کمونیست کارگری ایران بپیوندید تا آیندهای زیبا را با هم شکل دهیم. کمونیسم کارگری جواب امروز است!

عبدالله دارابی، مورد استقبال گرم همه قرار گرفت، همه به استثنای وابستگان رژیم و عواملش. درست در شرایطی که از تهران تا قزوین و شیراز و مریوان، امام جمعه ها و ملایان همه داد و فغان میکنند که مورد تنفر و تمسخر مردم هستند، رهبران کمونیست، در حلقه حفاظت گرم و صمیمانه مردمی قرار میگیرند. مردمی که جواب آرزوهایشان را در سخنان او یافتند! این جواب مردم به رژیمی است که نفرت، خشم و عزم راسخ آنها برای سرنگونی حکومت اسلامی را تجربه می کند.

عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران در مریوان در اجتماع مردم حاضر شد. انکای او به مردمی بود که رهبران خود را میشناسند و بیش از ۲۰ سال است که آنها را در صف اول مبارزه برای آزادی و برابری میبینند. عبدالله دارابی و همراهانش را مردمی که دنیایی دیگری میخواهند، به آغوش کشیدند و حفاظت کرد. شور و شادی مردم مریوان، میتواند و باید به همه جای ایران و برای همیشه گسترش یابد. کمونیسم کارگری با کادرها و رهبرانش، در کنار مردم و در صف مقدم جنبش آزادی و برابری بسازند!

دانشجویان خواهان حضور رئیس دانشگاه در این تجمع شدند که رئیس دانشگاه حاضر شد و دانشجویان مطالباتشان را با وی در میان گذاشتند. رئیس دانشگاه به آنها وعده داد که به خواستههایشان رسیدگی خواهد کرد. دانشجویان اعلام کرده اند در صورت عدم رسیدگی به خواسته هایشان به اعتراضات خود ادامه دهند. در این تجمع دانشجویان علوم پزشکی از دانشجویان دانشگاه های دیگر خواستند که به اعتراض آنها بپیوندند.

اعتراض ۱۵۰۰ دانشجوی علوم پزشکی دانشگاه رازی در کرمانشاه

منبع: اطلاعات حزب کمونیست کارگری ایران
۱۶ مهر یکهزار و پانصد دانشجوی علوم پزشکی دانشگاه رازی کرمانشاه دست به تجمع اعتراضی زدند و خواستار رسیدگی دانشگاه به وام کمک هزینه، وام ازدواج و امکانات رفاهی خوابگاه شدند.

بیشتری علنی و علنی میشود. جوانان از زندگی «زیر زمینی» و مخفیانه جوانی بیرون می آیند. جوانان ایران میتوانند سازندگان «یک دنیای بهتر» باشند. و برای آن باید به سازمان جوانان کمونیست و حزب کمونیست کارگری ایران پیوست! موج جنبش خلاصی فرهنگی، میتواند سیلی شود که رنسانسی دیگر، انقلاب جنسی دیگر، و یک تجربه بلشویکی دیگر در ایران را بسازد. ایران میتواند کانون سوسیالیسم برای همه بشریت و جهان مترقی شود!

زندگی مخفیانه ۱۰۰۰ از صفحه ۷
امروز اما زندگی جوانی دارد از «زیر زمینها» و مخفی گاهها بیرون می آید و علنی میشود. هر روز اخبار بیشتری در مورد گسترش ابعاد استفاده جوانان از اینترنت برای ارتباط با دنیای فرهنگی و علمی و سیاسی بیرون شنیده میشود. هر روز خبر گسترش علنی شدن ابراز نفرت و انزجار جوانان از اسلام و حکومت اسلامی، پخش میشود. جوانان به جنگ رژیم اسلامی آمده اند. این جنگ می رود که هست و نیست حاکمیت

تلفنهای تماس با دبیران سازمان جوانان کمونیست:

0045-51802610	دانمارک:	شیوا فرهمند
0044 776 110 66 83	انگلستان:	سرور ملانکه
00491711547661	آلمان:	امید چوری
0046 70 48 68 647	سوئد:	مریم طاهری
001 416 69 80 358	کانادا:	مهدی شهابی
0049 172 2957603	ترکیه:	
0049 174 944 02 01	دبیر کمیته مرکزی بهرام مدرس	
www.jawanan.org	از این سایت ها دیدن کنید:	
www.m-hekmat.com		
www.rowzane.com		
www.hambastegi.org		
www.medusa2000.com		
www.childrenfirstinternational.org		

به سازمان جوانان کمونیست بپیوندید!

جوانان کمونیست

نشریه سازمان جوانان

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: ثریا شهابی

shahabi_99@yahoo.com

Tal: 001- 416 434 15 45

Fax :001- 781 735 83 59

E-Mail : shahabi_99@yahoo.com

javanane-komunist@web.de

www.jawanan.org

Address: Jawanan

Postfach 62 05 15

10795 Berlin /

Germany